

کارگری خپه ۲۲

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

کارگران
جهان
متحد
شوید!

ماهنامه سیاسی - خبری

شماره بیست و ششم

می ۲۰۱۰

**روز همبستگی
جهانی کارگر
گرامی باد!**

**گام تازه در راه
وحدت جنا پتکاران**

پ صبح
بعد از رانده شدن طالبان از اریکه قدرت توسط
نیروهای ائتلاف کشورهای سرمایه داری در
افغانستان، ترتیب و تنظیم ادامه در صفحه ۳

**منشأ های روز
[اول ماه] مه چه
هستند؟**

روزا لوکسامبورگ
در صفحه ۵

**سرود
انترناسیونال
در چهره پی
نوین**

شاعروترانه ساز: اوژن پوتیه
مترجم: ر. پیکارجو

ادامه در صفحه ۶



با فرا رسیدن اول می روز جهانی همبستگی طبقه کارگر، نظام سرمایه داری جهانی همچنان گرفتار بحران عظیم اقتصادی است که با بحران بنگاه های مالی آغاز شده بود. بحران تاریخی بی که در گسترده ترین ابعادش بیان آشکاری از پوسیده گی ایدئولوژیک و ناتوانی سیاسی نظام سرمایه داری و افق تاری که جلو بشریت گرفته است، می باشد. امسال باز در شرایطی به پیشواز اول ماه می میرویم که بحران جاری اقتصادی مرزها را در نوردیده و چهره کریه و ضد انسانی نظام سرمایه داری را، که در تلاش برای خروج از باتلاق بحران و بخاطر تداوم حیات ننگین اش، با سببیت تمام فقر، محرومیت، جنگ، ارتجاع و محنت بیشتری را به مردم و طبقه کارگر جهانی تحمیل کرده است، با عریانی تمام به نمایش گذاشته است. به موازات گسترده شدن هرچه بیشتر دامنه بحران اقتصادی جاری و تداوم آن، بورژوازی برای خلاصی از آن به استراتژی منکوب کردن و مطیع و راضی ساختن طبقه کارگر در اشکال متنوعی توسل جسته است که حاصلی جز فقر و تحمیل محرومیت بیشتر برای طبقه کارگر و اقشار تهیدست دیگر در پی نداشته و نخواهد داشت؛ یکی از پیامدهای آشکار این وضع، یورش سبانه و لجام گسیخته بورژوازی ادامه در صفحه ۲

**سخنرانی در اول
مه**

النور مارکس

ما به این جا نیامده ایم تا کار احزاب سیاسی را انجام دهیم، بلکه آمده ایم تا از امر کارگر به شیوه خودش دفاع کنیم ادامه در صفحه ۹

**خطاها و
تناقضات قرآن**

نوشته عزیز یاسین

Azizyasin78@yahoo.com

ادامه در صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری

روز همبستگی جهانی کارگر گرامی باد!

جهانی به سطح معیشت طبقه کارگر و اقشار فقیر و کم درآمد در پهنه جهان می باشد. روزی نیست که خبری از بسته شدن شرکت ها و صنایع و به همین منوال اخراج کارگرها و مزد بگیران به گوش نرسد. ارقام بیکاری ها و پیوستن عده دیگری از کارگران اخراجی به ارتش ذخیره کار سیر نجومی کسب کرده است؛ میلیون ها کارگر و مردم زحمتکش در سرتاسر جهان تحت فشار مضاعف اقتصادی به سوی فقر مطلق سوق داده می شوند. فقر و استثمار رواداشته شده بر طبقه کارگر و اقشار تهیدست دیگر، شکاف و تقابل طبقاتی میان اردوی کار و استثمارگران را، که از قبل رنج و نیروی کار و عرق جبین کارگران به ثروت های نجومی دست یافته اند، افزایش داده است.

سرمایه داری امروز درگیر بحرانی است که کل حیاتش را تهدید می کند. علیرغم فشار گسترده و تحمیل دشواریها و تهدید کارگران و مردم زحمتکش، مبارزات ملیونی جاری در اشکال اعتصابات و اعتراضات گسترده در سطح جهان از یونان و اسپانیا شروع تا امریکای شمالی و آسیا و افریقا بیان روشنی از مبارزه جویی و صف آرائی طبقه کارگر در تقابل با یورشی که به زنده گی و سطح معیشت او تدارک دیده شده است، می باشد. طبقه کارگر در همه ابعاد ناگزیر است که در برابر یورش لجام گسیخته و سبعمانه بورژوازی و استراتژی تحمیل شکست و تضعیف جنبش کارگری مقابله کند؛ پیروزی طبقه کارگر در این جدال تعیین کننده، در گرو خودآگاهی، همبستگی، رشد و اعتلای آن در سطح جهان است. اعتلای جنبش کارگری در سطح جهان می تواند به عامل تعیین کننده بی برای عروج زمینه های عینی و ذهنی سوسیالیسم کارگری تبدیل شود.

اما در بحبوحه اول ماه می علیرغم سرمایه های هنگفتی که در کشور سرازیر شده است،

کارگران و اقشار تهیدست و زحمتکش در افغانستان در فقر و بیحقوقی مطلق به سر می برند و سهم شان از همه این ثروت و منابع مالی حتی لقمه نانی که بتوانند سفره شان را با آن رنگین کنند هم نبوده است؛ اگر از یک طرف فقر و تنگدستی از آنها قربانی گرفته و می گیرد از جانبی هم جدال دو کمپ ارتجاعی آسایش و راحت را از آنان ربوده است؛ هیولای جنگ، سلطه ارتجاعی ترین نیروها و باورها و مواد مخدر و اعتیاد، هردم چون افعی آنها را به کام نیستی و نگوینختی می کشاند.

اکثریت قریب به اتفاق نیروی کار در افغانستان به اردوی ملیونی بیکاران تعلق دارند، بخش وسیعی از این نیرویکار برای ادامه حیات و بدست آوردن کار به بازارهای کار کشورهای همجوار می روند. دست آزمند سرمایه از بی پناهی و بیچاره گی این کارگران آواره سود جسته و آنها را به شکل وحشیانه ئی مورد اجحاف و ستم قرار داده و استثمار می نمایند. با توجه به وضعیت حاکم بر جامعه، تداوم جنگ، سلطه و اقتدار ارتجاعی ترین نیروها و حضور نیروهای امپریالیستی، پراکنده گی و حاکمیت آرا و افکار ناسیونالیستی، فرصت و مهلت را از طبقه کارگر و پیشروان آن در افغانستان گرفته است تا بتوانند متحد، آگاه و مدعی به عنوان طرف اصلی جدال وارد عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی شوند و نقش سرنوشت سازشان را به عنوان یک نیروی تاریخ ساز اداء کنند؛ بنابراین بر طبقه کارگر و پیشروان آگاه و سوسیالیست آن است تا با خود آگاهی و سازمانیابی به تشنت کنونی پایان داده و نقششان را در رهائی جامعه از بربریت کنونی اداء کنند. کارگران و مردم آزادیخواه!

روز جهانی کارگر روز اعتراض به همه نابرابری ها و ستمی است که نظام سرمایه داری بر شالوده آنها استوار شده است. رهائی و امر تحقق آزادی و برابری واقعی تنها با به میدان آمدن طبقه کارگر و نابودی نظام کارمزدی و خلع ید از سرمایه داران، ممکن و میسر خواهد شد. اول می روز همبستگی طبقاتی کارگران، روز اعتراض به استثمار و ستم طبقاتی و نابرابری است. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان در ضمن شادباش و تهنیت روز همبستگی جهانی طبقه کارگر، جهت نیل به سازمانیابی و ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران و تحقق امر رهائی انسان زحمتکش از هر اقدامی در جهت تسهیل این امر شریف استقبال و پشتیبانی نموده و خود را متعهد به برآورده شدن

آن می داند. شرط هر تحول انقلابی و تحقق امر آزادی و برابری ورود طبقه کارگر آگاه و جنبش سوسیالیستی کارگری در متن جدال اجتماعی می باشد. تحقق این مأمول، با توجه به شرایط دشوار کنونی و مؤلفه های دیگر، مستلزم خودآگاهی، سازمانیابی و همبستگی جهانی طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی است.

به پیش به سوی سازمانیابی طبقه کارگر!

زنده باد اول می روز همبستگی جهانی کارگران!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان
22 اپریل 2010

کارگری خپه د

افغانستان

دکارگرانو او

زیارایستونکو غبر

دی، راشی دهر

راخ طبقاتی جبر

پر ضد دغه غبر لا

جگ او بلنه

لاپسی پراخه

کړو!

فرخنده باد اول می!

گام تازه در راه وحدت جنایتکاران

و گردآوری دوباره مجاهدین، تکنوکراتها و سایر وابسته گان امپریالیزم از داخل و خارج کشور و نصب دولت مصلحتی کرزی در رأس آنها از سال 2001 میلادی به اینطرف امپریالیزم قادر نگردید تا حاکمیت مطمئن و متعارف را برای اجرای وعده های داده شده اش در قطع جنگ و تأمین امنیت، ایجاد فضای آرام، بازسازی، تأمین شرایط کار، تعلیم و تربیه برای تمام اتباع کشور، دور نمودن فساد اداری، تأمین حقوق زنان، اطفال و سایر گروه های اقلیت کشور بوجود آورد.

مرحله تازه مانورهای قدرت های امپریالیستی در تلاش برای گسترش دامنه وحدت اسلامیت های آتش افروز در افغانستان اینبار با سعی آشتی دادن گروه های طالبی، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با اجزای دولت فعلی که از زمان بوش پسر شروع گردیده بود وارد مرحله جدیدی گردیده است.

راه اندازی برنامه تازه برای وارد نمودن طالبان و حزب اسلامی بداخل حاکمیت دولتی با رأی زنی های داخلی منطوقی و بین المللی آغاز گردیده است. ولی آن چیزیکه روشن میباشد اینستکه: بحرانات دوره نظام سرمایه داری که از اصطکاک تضادهای درونی آن منشاء میگيرد، منبع بیکاری ها، تورم، اضافه تولید بوده و امکان اوجگیری جنبش های کارگری را در جهان بصورت بالقوه افزایش میدهد. از جانی هم تاریخ نشان میدهد که بازتولید پدیده هایی مانند مذهب، ناسیونالیزم، قومیت، نژاد و کاربرد آن در عرصه های اجتماعی و سیاسی در عصر گلوبالیزیشن نظام سرمایه داری، رشد تکنالوژی اطلاعاتی و اوجگیری جنبش های پرولتری در سراسر جهان برنده گی قبلی اش را نداشته و کارگر واقع نمیکردد.

در داخل کشور ملاقات های دوامداری بین عده یی از رهبران طالبان مانند ملا ضعیف آخوند، ملا حکیم مجاهد، مولوی متوکل، و عده دیگری از ملا های بلند رتبه طالبان و اعضای بلند پایه حزب اسلامی حکمتیار از دیر زمان به اینطرف به مشوره انگلیس، ایالات متحده امریکا، عربستان سعودی، پاکستان، ترکیه که حمایه کننده گان قبلی و

فعلی طالبان و حزب اسلامی میباشدند. و وساطت عده یی از رهبران گروه های مجاهدین دوام دارد. در کابینه و دولت جدید کرزی برای آنها پوست های مهمی تفویض گردیده و یا هم در نظر گرفته شده است. نقطه اساسی ملاقات ها عمدتاً پی ریزی برنامه های است برای تقسیم پوست های پر درآمد دولتی، سازش برای تقسیم منابع عایداتی کشور که جنگ به خاطر آن براه افتیده است، تعیین استراتژی مشترک برای تطبیق هرچه بیشتر احکام متحجر قرآن و ازدیاد فشار اسلامی برای جلوگیری از رشد روز افزون اعتراضات مردمی در مقابل اعمال زشت دولت و اسلامیت ها و جلوگیری از اوجگیری افکار مترقی و انقلابی در مقابل پروسه امت سازی. و از جانب دیگر بحث ها روی تأمین منافع ولینعمت شان در افغانستان بر طبق شرایط جدید و خواست آنها از عمده موضوعاتی است که روی میز مذاکرات قرار دارد. اینست ماهیت مصالحه یی که صرفاً بنام مردم فی مابین سران جنایتکار گروه های اسلامی، تکنوکرات ها، بورژوازی کشور، بهمراهی کشورهای سرمایه داری جهان بدون حضور مردم و یا نماینده گان واقعی آنها در زیر سقف های بسته انجام می پذیرد. نتیجه آنست که باید باشد.



بحران افغانستان که ریشه در حاکمیت مشترک نیروهای ارتجاعی اسلامی، ناسیونالیست ها و حلقات قاچاقچی در تبتانی با امپریالیزم بین المللی دارد و معیارات زنده گی را در کشور بیک حد باور ناکردنی سقوط داده است، با ورود طالبان و حزب اسلامی بداخل دولت وارد مرحله تازه یی میشود.

نماینده گان طرف های درگیر در مذاکرات متذکره در خفاء و بدور از انظار عامه و بدون در نظر گرفتن آراء، خواست مردم و منافع عامه کشور و با استفاده از نام هایی مانند قوم، قبیله، ملیت، منطقه و زبان زحمتکشانشان کشور را از هم متفرق نموده و گویا به نماینده گی از مردم خود را وارث بالاستحقاق این کشور معرفی نموده، در زیر سایه دولت تحت الحمایه و بکمک مالی و نظامی کشور های

سرمایه داری منابع مالی و عایداتی کشور را بین خود تقسیم مینمایند.

نشخوار اصطلاحاتی مانند قوم، قبیله، زبان و نژاد و بکار گیری آن از جانب سران گروه های اسلامی و ناسیونالیستها کار تازه یی نبوده و در هر زمانی از جانب حاکمان جنایت کار مورد استفاده قرار گرفته و خود را در عقب آن پنهان مینمایند. ولی در عصر تشدید تضاد ها و افشای حقایق بیشتر در مورد اهداف پنهان شده در عقب این چنین شعارها زحمتکشانشان کشور با درک حقایق عینی روند تکاملی جامعه بیشتر از پیش باهم نزدیک گردیده و نابوری های خود را به این چنین شعار های میان تهی تبارز میدهند.

حکومت جدید کرزی که اینبار عمدتاً با تکیه بالای سران قومی هزاره و ازبک بناء یافته است و به تعبیر خودشان برای تقویه پایه های اجتماعی قدرت در میان ملیت های گوناگون کشور سران طالبان و حزب اسلامی را نیز به نام نماینده گان ملیت پشتون وارد حکومت میسازند، تمایزات جدیدی را بر پایه تفاوت های نژادی در بین زحمتکشانشان ملیت های کشور بوجود آورده و آنها را بیش از پیش متفرق میسازد. در مقابل حاصل نمودن حمایت دو قوم هزاره و ازبک امتیازات بیشتر از دیگران به آن ها داده میشود. این شیوه حکومت داری برتری خواهی و انحصارطلبی یکی را بر علیه دیگران تقویه نموده و باعث ایجاد فضای جدیدی از بحرانات در کشور خواهد گردید، که تعبیر جدیدی از دموکراسی بورژوازی بحمایت کشورهای متجاوز را تمثیل مینماید. این روش سیاسی که بر بستر برتری های نژادی، ساختار قومی، و انحصار طلبی بناء یافته باشد، در فقدان احزاب و یا نماینده گان واقعی مردم بر مصیبت های فعلی مردم کشور می افزاید. کرزی اینبار برای خوشنود نمودن بادران خود از کلمه دموکراسی قومی بعنوان راه بردی برای قطع جنگ نام برده است. این اختراع جدید که نقطه آن در واشنگتن و لندن ریخته شده است، به سران اقوام و ملیت ها اجازه آن را خواهد داد تا با هویت قومی وبا استفاده از موضع قوم باوری بازتولید شده اختلافات قومی در محور منافع خودشان دور تازه یی از تصادمات قومی و نژادی را در بین زحمتکشانشان کشور براه انداخته و آن ها را از هم متفرق سازند.

کشورهای همسایه افغانستان هر کدام خواهان داشتن سهم و تأثیرات متناسب با نفوذ سیاسی شان در بین گروه های اسلامی میباشدند. از اینرو نقش آنها از قبل توسط قوای متجاوز در نظر گرفته شده است.

استراتژی جدید دولت امریکا در افغانستان که با افزایش نیروهای نظامی آنکشور تا بالاتر از

گام تازه در راه وحدت جنایتکاران

صدهزار و همچنان با تقاضای ازدیاد نظامیان بقیه متجاوزین همراه است، بخشی از پروژه جهانی بی میباید که به خاطر وارد نمودن استحاله در جنبش اسلامی، رویارویی و تصفیه حساب با آن عده از تندروان اسلامی که حاضر به پذیرفتن شرایط مطروحه امپریالیزم نیستند و خواست های خود را دارند، طرح ریزی گردیده است. تدویر کنفرانس لندن در مورد افغانستان به مثابه نقطه عطفی در جلب حمایت کشورهای نیدخل و ذینفع در تطبیق این پروژه میباید.

تطبیق استراتژی جدید جنگ و آشتی شامل نواحی ای مانند سودان، سومالی، یمن، نایجریا، عراق، افغانستان و پاکستان میباید. به همین لحاظ چراغ های سبز حسن نیت و نشان دادن صداقت برای چشم پوشی از جنایات همدیگر مانند دور کردن نام های برخی از جنایتکاران مانند ملا عمر، گلبدین حکمتیار و عده پی دیگر از رهبران آنها از لیست سیاه، و پیشنهاد پول، زمین، خانه، موتر، شرکت در ساختارهای دولتی، پوست های پر درآمد دولتی، و آزادی در انجام جنایات رسمی منحصی تمایلات ذاتی و نقطه ضعف آنها، برای اسلامیت ها داده شده است. در این طرح هیچگونه توجهی به حالت رقتبار مردم صورت نگرفته، بلکه تلاش برای قطع یکنوعی از جنگ و تأمین منافع دو جانب امپریالیزم و تندروان اسلامی از مشخصات عمده در کنفرانس لندن میباید.

نادیده پنداشتن جنایات سازمان یافته اسلامیت ها در طی 30 سال گذشته و مخصوصاً جنایات گلبدین حکمتیار در جنگهای داخلی سال های بعد از 1371 کابل در مقابله با برادر تتی اش احمدشاه مسعود برای دست یابی به قدرت کابل که باعث کشته شدن بیش از 35000 هزار انسان بی گناه، زخمی شدن حدود 120.000 هزار انسان و از بین رفتن تمام تأسیسات عام المنفعه و تولیدی اجتماعی شد و خرابی شهر کابل را که علایم آن تا الحال در قلب شهر باقی است سبب گردید، و با وصف آن قابل شدن امتیازات به حزب اسلامی گواهی است دال بر پیوند منافع امپریالیزم و جنایتکاران اسلامی.

دوران طالبان که نقطه اوج استبداد مذهبی در تاریخ افغانستان شمرده میشود به جنایات سازمان یافته اسلامی رقم تازه بی زد. سازمان دهنده گان آن ها، تمویل کننده طالبان، حمایه گر و به قدرت رساننده آن ها، کشورهای سرمایه داری به همراهی پاکستان بوده و بدون شک میتوان گفت که سوالی از ناحیه جدایی اسلام سیاسی و امپریالیزم در میان نمیگذارد. در نتیجه با وارد شدن تندروان بیشتر بدخل حکومت کابل دور جدیدی از تصادمات فی مابین گروه های اسلامیت به خاطر تقسیم پوست های مهم افزایش حاصل نموده، فضاء بیشتر اسلامی شده، حقوق شهروندی گروه های مختلف اجتماعی اعم از زنان، جوانان، اطفال، بیوه ها، یتیم و بی بضاعت، معیوبین و معلولین و غیره کتلات انسانی که همواره در زیر بار آلام اجتماعی قرار دارند از طرف دسته های مسلح اسلامیت بیشتر از پیش مورد سوال قرار می گیرد.

تضاد هایی که ناشی از موجودیت و افزایش نابرابری های اجتماعی بوجود آمده است با افزایش فاصله بین غنی و فقیر هر روز به استقطاب جامعه رنگ تازه بی داده و وجوه طبقاتی شدن جامعه را واضحت بر ملا میسازد.



بیانیه تازه حامد کرزی 13 حمل 1389 مطابق 2 اپریل 2010 که حاوی مطالب جاندار در رابطه به کارکرد آینده های نزدیک میباید، حاوی نشانه های روشن برای کارگزاری توطئه تازه بی در کشور میباید، که جهت پوشانیدن تضاد های رو به افزایش در افغانستان از جانب کشورهای اشغالگر و دولت دست نشانده آنها براه افتیده است.

کرزی که همیشه مهارت های خود را در فریب کاری، چهره عوض کردن و بزبان آوردن الفاظ پر زرق و برق در مقابل بادران و مردم خوابیده کشور به نمایش گذاشته است، اینبار با مشاوره با بادران خارجی بار ملامتی تقلب در انتخابات را بگردن نماینده گان ملل

متحد و سفرای کشورهای خارجی انداخته و بقول وی که گویا نماینده حقیقی مردم میباید با وصف تقلب کاری ها توانست آرای لازم را برای انتخاب شدن در کرسی ریاست جمهوری بدست آورد.

حقیقت اینست که جامعه جهانی با وصف حضور پُر رنگ نظامی و مصارف گزاف بیش از 50 میلیارد دالر در طول قریب 9 سال قادر نگردید تا امنیت لازم را برای تأسیس یک حکومت ایدال تأمین نماید. و لذا برای رهایی از وضعیت فعلی تصمیم دارد تا ایادی سابق و امروزی را تحت رهبری کرزی در یک خوان نیعمت دور هم قرار دهد و بدین وسیله برای اینکه از گله گزاری ها و شکایت های آنها در مورد اینکه در وقت تشکیل حکومت کرزی آنها از نظر دور نگه داشته شده بودند جلو گیری کرده باشد، با دادن سهم در سر کوب گری عریان و رسمی مردم به آنها امتیازی قایل میشود. قطب الدین هلال رئیس هیأت حزب اسلامی حکمتیار اخیراً از طریق مصاحبه تلویزیونی اش گفت که به آنها از جانب بادران خارجی دعوت به اشتراک در حکومت سال 2001 کرزی داده نشده بود، لذا آنها در بدل آن، تا الحال به جنگ و کشتار مردم ادامه دادند و فعلاً که دعوت نا مه را در یافت نموده اند از جانب رهبر شان مؤطف گردیدند تا برای اشتراک در حکومت با قبالة 16 شماره بی برای تقسیم قدرت سرکوب گری وارد مذاکره با حکومت شوند.

اینست ماهیت سردمداران اسلامی که برای رسیدن به قدرت کابل در سال های حاکمیت مجاهدین 35000 انسان بیگناه را قتل کردند و کابل را ویران نمودند. از سال های 2001 به اینطرف باز هم به خاطر دور ماندن از حکومت به جنایات انسانی شان ادامه داده، در کشتار و بی سرنوشت سازی مردم سهم اسلامی شان را ایفاء نمودند.

بیانیه کرزی حاوی مفاهیمی است که به استناره بادران ترتیب گردیده و هدف از آن ضدخارجی جلوه دادن خودش بوده و بدینوسیله خود را در نظر مردم بیشتر به تنظیم های اسلامی نزدیک وانمود مینماید. تنظیم های اسلامی که خود نیز دست در کاسه قدرت های امپریالیستی دارند، با حفظ مهارت ها و عادات ضد انسانی شان که ریشه در سرشت اسلامی آن ها دارد، چهره عوض نموده و به خاطر دستیابی و حفظ قدرت سرکوبگری در داخل حکومت حاضر به هر نوع معامله گری با صاحبان اصلی حکومت میباشند. اشاره دومی کرزی به طالبان میباید

ادامه در صفحه ۱۱

منشاهای روز [اول ماه] مه چه هستند؟

ایده فرخنده بکار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری بعنوان وسیله ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آنجا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات بعنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازماندهی کنند. روز این جشن باید ۲۱ آوریل می شد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده های پرولتاری استرالیا بخشید که منجر به تهییج نوعی [آژیناسیون] گشت که تصمیم گرفته شد تا این جشن را هر سال تکرار کنند.

در حقیقت، چه می توانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان بدهد تا یک توقف کار توده بی که آنها خودشان آنرا انتخاب کرده باشند؟ چه می توانست شهامت بیشتری به بردگان ابدی کارخانه ها و کارگاه ها بدهد تا فراخواندن گردانهای خودشان؟ پس ایده جشن پرولتاری با سرعت پذیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد.

نخستین نمونه ای که بدنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آنها تصمیم گرفتند اول [ماه] مه باید روز توقف جهانی کار باشد. در این روز ۲۰۰۰۰۰ نفر از آنها کارشان را ترک کرده و هشت ساعت در روز را طلب کردند. بعداً، تضییقات پلیسی و قانونی کارگران را سالها در تکرار تظاهراتی با این [وسعت] مانع شد. معهدا در سال ۱۸۸۸ آنها تصمیم خود را تحدید کرده و مصمم شدند که جشن بعدی در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد.

در این اثناء، جنبش کارگران در اروپا قویتر و با تحرک تر شده بود. قویترین نمود این جنبش در کنگره کارگران انترناسیونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در این کنگره، که چهارصد نماینده حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که هشت ساعت در روز باید نخستین مطالبه باشد. پس از آن، نماینده اتحادیه های فرانسه،

کارگر لائوین [۲] از بوردو، خواست که این مطالبه در تمام کشورها با یک توقف جهانی کار ابراز شود. نماینده کارگران آمریکا توجه را به تصمیم رفقاییش برای اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب کرد، و کنگره این تاریخ را برای جشن جهانی پرولتاری برگزید.

در این مورد، مانند سی سال پیش در استرالیا، کارگران واقعاً فقط یک بار تظاهرات در نظر داشتند. کنگره تصمیم گرفت که کارگران همه ی سرزمین ها با همدیگر برای هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات بکنند.

هیچکس از تکرار تعطیل برای سال های بعد سخنی نگفت. طبیعتاً هیچکس نمی توانست طریق برق آسایی را پیش بینی کند که با آن ایده موافق شده و چه بسرعت از طرف طبقات کارگر پذیرفته خواهد شد. معهدا، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه بسادگی یک بار کافی بود، تا اینکه هر کس بفهمد و حس کند که روز اول [ماه] مه باید یک نهاد سالانه و پیگیر باشد...



اولین [خواست اول ماه] مه پذیرش هشت ساعت در روز مطالبه کرد. ولی حتی پس از رسیدن به این هدف، روز [اول ماه] مه از بین نخواهد رفت. تا زمانیکه مبارزه کارگر بحد بورژوازی و طبقه حاکم ادامه دارد، تا زمانیکه همه مطالبات پذیرفته نشده اند، روز [اول ماه] مه نموده سالانه این مطالبات خواهد بود. و وقتیکه روزهای بهتری سر زنند، وقتیکه طبقه کارگر جهان رستگاریش را بدست آورد. آنگاه هم بشریت احتمالاً روز [اول ماه] مه را به افتخار مبارزات تلخ و رنجهای بسیار گذشته جشن خواهد گرفت.

توضیحات :

1-متن از Ausgewalte Reden und Schriften, II برلین: انتشارات دیتز، ۱۹۵۱. متن اصلی در فوریه ۱۸۹۴ به لهستانی در پاریس منتشر شد. ترجمه فارسی از انگلیسی "برگزیده آثار روزا لوکزامبورگ" مانتلی رویو، نیویورک، ۱۹۷۱، می باشد.

Lavigne -2 از. Bourdeau.

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریکهای فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸. بازنویس: یاشار آذری، شهریور ۱۳۸۲.

تول تاریخ، د طبقاتی مبارزی
تاریخ دی، د زبیبناک گرو او
زبیبناک شوونکو طبقو ترمخ،
دمحکومو او حاکمو طبقو
ترمنخ، دتولنی دتکامل په
مختلغو پراونوکی او هم دا چی
دغه مبارزه هغه خای ته رسیدلی
ده چی زبیبناک شوونکی او
ستم شوونکی طبقه (کارگره
طبقه) نور نشی کولای زبیبناک
گری او ستمگری طبقی (پانگه
والی) جغ نه خلاصی و مومی
مگر دا چی په عین حال کی توله
تولنه دتل لپاره د زبیبناک او
ستم له قید نه ورغوری.

مانفیست کمونیست

سرود انترناسیونال در چهره یی نوین

سرود انترناسیونال از ابداعات شاعر توانا و سرشار از عواطف انسانی و شخصیت برانزده و نامدار کمون پاریس (اوژن پوتیه) است که در سال 1816 در پاریس و در یک خانواده فقیر چشم به جهان گشود، و زنده گی اش را در فقر و در مبارزه و پیکاری امان علیه نابرابریها، بی عدالتیها، بربریت و درنده خویی های نظام فاسد سرمایه داری به سر برد، از چهارده ساله گی با سرودن ترانه (زنده باد آزادی) وارد میدان پیکار با اهریمن سرمایه و طبقه استثمارگر بورژوازی شد، و تا پایان عمر با سروده های انقلابی اش حوادث و رویدادهای فرانسه و جهان را به تصویر کشید و کارگران و زحمتکشان جهان را به اتحاد و مبارزه علیه دشمن مشترکشان برانگیخت و بیدار ساخت. در کمون پاریس این نخستین حکومت کارگری که از هجدهم مارچ تا بیست و هشتم می سال 1871 در فرانسه برسر قدرت بود، سهم فعالی داشت، و پس از شکست المناک کمون، وی نیز اجباراً به انگلستان و سپس به امریکا فرار نمود. در سال 1876 پوتیه در تبعید شعری سرود تحت عنوان (از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه) و در آن زنده گی پر مشقت کارگران را در زیر ستم و استثمار نظام سرمایه داری، فقرشان و رنجها و الام جانکاه آنان و در عین حال ایمان و باور خلل ناپذیرشان در رسیدن به پیروزی نهایی را به گونه یی زیبا و شاعرانه به تصویر کشید. نه سال پس از شکست کمون پاریس در سال 1880 پس از آنکه عفو عمومی در فرانسه اعلان شد، پوتیه به آن کشور بازگشت و بلا فاصله به حزب کارگران پیوست. جلد اول اشعارش تحت عنوان (سرودهای انقلابی) در سال 1884 و جلد دوم آن در پایان سال 1887 پس از مرگش منتشر شد.

سرانجام قلب پر آرمان این کارگر آزاده و این عصیانگر پر آوازه در هشتم نوامبر سال 1887 از تپش افتاد و کارگران پاریس پیکر بیجان او را به گورستان پرلاشز، محل دفن کمونارهای اعدام شده، حمل کردند. پلیس در تلاش برای پایان کشیدن پرچمهای سرخی که کارگران هنگام تشییع جنازه وی با خود حمل مینمودند،

وحشیانه بر آنان حمله کرده و یک بار دیگر درنده خویی و انسان دشمنی طبقه بورژوازی را به نمایش گذاشت. در این مراسم که به صورت مدنی و غیر رسمی برگزار گردیده بود جمعیت عظیمی از مردم شرکت کرده بودند و فریاد های «زنده باد پوتیه» از هرسو به گوش میرسید.

اوژن پوتیه سرودهای حماسی و انقلابی فراوانی از خود به جا گذاشته است که مشهورترین آن همان سرود ماندگار و جاودان انترناسیونال کارگریست. و آنچه که به این سرود ویژه گی خاص می بخشد آنست که او این سرود را در فردای شکست خونین و اندوه ناک کمون پاریس (ماه جون سال 1871) یعنی هنگامی سروده است که بورژواهای فرانسه و پروس (آلمان) توانستند با دسائس و زدوبندهای خویش حکومت نوپای کمون را سرنگون و هزاران کارگر و زحمتکش آزادیخواه را دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده و فضای رعب و وحشت و یأس و ناامیدی را در سراسر فرانسه و اروپا و حتی جهان حکمفرما سازند. در همچو شرائط ناگوار، اوژن پوتیه، این انقلابی نستوه و ژرف نگر، به جای گرویدن به یأس و ناامیدی، با قلبی سرشار از امید و باورمندی کامل به فردای روشن آزادی و با صدایی هرچه رساتر سرود جاودان انترناسیونال را آفرید.



در ماه ژوئن (جون) سال 1888 میلادی، شش ماه بعد از مرگ «اوژن پوتیه» سراینده این شعر، کارگر دیگری به نام «پییر دوژیته» با دستگاه ارگ بسیار ساده ئی که در خانه داشت برای این شعر آهنگی ساخت که «سرود انترناسیونال» نام گرفت. از ویژه

گی های این آهنگ و سرود یکی هم آن است که برای اجرای آن نیازی به حضور نوازنده گان و نواختن آلات و ادوات موسیقی نیست و همگان و ترجیحا در شکل گروهی آن می توانند این سرود را بخوانند.

درست یک ماه بعد از خلق آهنگ این سرود یعنی در ژوئیه (جولای) سال 1888 میلادی در یک گردهمایی کارگری که از سوی روزنامه فروشان شهر «لایل» در شمال فرانسه برگزار گردیده بود، برای نخستین بار این سرود تحت نام «سرود انترناسیونال» به صورت دسته جمعی (گرس) ویا (گر) به رهبری آهنگ ساز آن «پییر دوژیته» اجرا و از آن پس در سراسر فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و سرانجام در سراسر جهان به حیث سرود پرولتاریا و کارگران پذیرفته شد.

این سرود به تمام زبانهای زنده جهان ترجمه، تصنیف و سروده شده است. در زبان فارسی تا آنجا که من اطلاع دارم تا کنون سه ترجمه از این سرود به دسترس قرار دارد که عبارتند از ترجمه ابوالقاسم لاهوتی که در برگیرنده بخشی از این سرود بوده و آنچه که در قالب آهنگ و به صورت گر سروده و اجرا میشود بر مبنای همین ترجمه زنده یاد لاهوتی است که در صفحات 413 تا 415 دیوان اشعار وی که به سال 1975 از طرف اداره نشریات زبان های خارجی مسکو به نشر رسیده است، جا داده شده است. متن ترجمه ابوالقاسم لاهوتی چنین است:

برخیز، ای داغ لعنت خورده،
دنیای فقر و بندگی!

جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی.

باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند،

آنگه نوین جهانی سازیم،
هیچ بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.

انترناسیونال است
نجات انسانها.

بر ما نبخشد فتح و شادی

خدا، نه شاه، نه قهرمان.

با دست خود گیریم آزادی

در پیکارهای بی امان.

تا ظلم را از عالم بروییم،

نعمت خود آریم به دست، ادامه در صفحه ۷

سرود انترناسیونال در چهره یی نوین

دمیم آتش را و بکوبیم
تا وقتی که آهن گرم است.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

تنها ما توده جهانی،
اردوی بی شمار کار،
داریم حقوق جهانی،
نه که خونخواران غدار.
گرد وقتی رعد مرگ آور
بر رهنان و دژخیمان،

در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نور افشان.
روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما.
انترناسیونال است
نجات انسانها.

ترجمه دوم از زنده یاد احمد شاملوست که در شماره سی و سوم مؤرخ یازدهم اردیبهشت ماه سال 1359 خورشیدی مطابق اول می 1980 میلادی هفته نامه کتاب جمعه که به سر دبیری خودش به نشر میرسید و این شماره را به بزرگداشت روز جهانی کارگران اختصاص داده بود، منتشر شده است. هدف شاملو از این ترجمه گذاردن آن در قالب آهنگ نه بلکه بازتاب مفاهیم نهفته در آن بوده است که اینک متن آنرا نیز پیشکش حضور خواننده گان عزیز مینماییم:

برخیزید، دوزخیان زمین!

برخیزید، زنجیریان گرسنگی!

عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار

می غرد

اینک! فوران نهائی ست این.

بساط گذشته بروبیم،

بپا خیزید! خیل بردگان، بپا خیزید!

جهان از بنیاد دیگرگون می شود

هیچیم کنون، « همه » گردیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

رهانده برتری در کار نیست،

نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.

خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولید

گران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!

تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،

تا روح از بند رهائی یابد،

خود به کوره خویش بردمیم

و آهن را گرماگرم بکوبیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

کارگران، برزگران

فرقه عظیم زحمتکشانیما

جهان جز از آن آدمیان نیست

مسکن بی مصرفان جای دیگری است.

تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟

اما، امروز و فردا،

چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند

آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهائی ست این.

طریق بشری خواهد شد.

ترجمه سوم از دانشمند گرامی و مترجم چیره دست جمشید هادیان است که بر مبنای متن انگلیسی و با مراجعه به متن اصلی آن که به زبان فرانسوی است، انجام یافته و ترجمه بیست لغت به لغت و برخوردار از دقت و امانت ویژه یی که بایستی در همچو مواردی در نظر گرفته شود.

در مقدمه یی که جمشید هادیان در این زمینه نوشته و در سایتهای انترنتی -

www.wpiran.org

--- www.rowzane.com

www.cloop.com

به نشر سپرده است، ضمن توضیح مختصری پیرامون پیش زمینه ها و انگیزه های برپاشدن حکومت کارگری کمون پاریس، اقدامات و آرمانهای انسانی آن و شکست خونین و اندوهبار آن، تأکید مینماید که هدفش از ترجمه حرفی و لغت به لغت سرود انترناسیونال، آگاه سازی فارسی زبانان از مضمون دقیق آن بوده است، کاری که واقعاً آنرا استادانه و با مهارت کامل انجام داده است. متن ترجمه او چنین است:



برخیزید، ای فلکزدگان!

برخیزید، ای در بند گرسنگی اسپران!

خرد در دهانه آتشفشان در غرش است،

این آتشفشان ناگزیر آخر است،

لوح از نقش گذشته پاک کنیم!

مردمان، بردگان، بپا خیزید! بپا خیزید!

زیربنای جهان در تحول است،

و ما که هیچیم همه چیز خواهیم شد!

نبرد نهائی است این،

گرد هم آئیم!

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد

نه ناجی اعظم و اعلائی در اندیشه نجات ماست،

نه خدائی، نه قیصری، نه جرگه ای [1]

سرود انترناسیونال در چهره یی نوین

کارگران! ما خود باید به نجات خویش
برخیزیم!
بیانید فرمان رهائی و خوشبختی همگانی
صادر کنیم،

تا دزد گردن به اختیار پیش آورد،
تا ذهن به سیاهچال افتاده نجات یابد
در کوره آهنگری مان خود بدمیم،
و آهن را تا داغ است بکوبیم!
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!

و فردا
انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!
دولت سرکوب می‌کند، و قانون کلاهدراری،
زالوی مالیات خون محنت‌کشان را می‌مکد،
هیچ وظیفه‌ای بر عهده اغنیا نیست،
حقوق فقرا عبارتی تو خالی بیش نیست،
بس است دیگر در کنج حبس پوسیدن
برابری قوانین دیگری می‌خواهد،
که حق بدون وظیفه و وظیفه بدون حق را در
آن جایی نباشد!
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!
و فردا

انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!
جلال و جبروت سلاطین معادن و راه آهن
منظره کراهنباری است،
چه اینان هیچگاه کاری جز دزدیدن کار ما
نکرده‌اند،
شمش‌های درون خزائن این جماعت حاصل
کارهای ماست که ذوب و در هم آمیخته‌اند
مردم با اعلام فرمان استرداد این اموال،
چیزی بیش از حق خود مطالبه نمی‌کنند
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!
و فردا

انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!
شاهان ما را به هوی‌های دروغین تخدیر
می‌کنند

صلح کنیم با خود، جنگ کنیم با جباران!
در ارتش‌ها اعلام اعتصاب کنیم،
لوله تفنگ‌ها را رو بالا بگیریم، صفوفشان
را در هم بریزیم!
این آدمیخواران اگر عزم قهرمان ساختن از ما
کنند،
دیری نخواهد پائید که درمی‌یابند گلوله‌های ما
برای ژنرال‌های خودی است
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!

و فردا
انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!
ما کارگرانیم، ما برزیگرانیم، ما اردوی عظیم
زحمتکشانیم
کره زمین متعلق به انسانهاست،
بیکارگان باید جای دیگری بدنبال مسکن باشند
بساط سور و سات اینان از گوشت تن ما بر پا
است

اما چون این کرکسان و لاشخوران در روزی
از همین روزها ناپدید شوند،
خورشید جاودانه خواهد درخشید
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!
و فردا
انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!

[1] Tribune - عنوانی برای هیئتی متشکل
از دو یا سه قاضی منتخب با یا بدون سایر
مقامات نظامی یا شبه‌نظامی در جمهوری و
امپراطوری رم. نام آن در اصل مشتق از
هیئت نمایندگان قبایل (tribi) بود که مردم
بمنظورهای نظامی و رای گیری به آنها تقسیم
شده بودند؛ چیزی درست شبیه لویه جرگه در
افغانستان.

من از مدتی بدینسو تصمیم داشتم تا برای این
سرود جاودانی قالبی بیافرینم که از یکسو در
بر گیرنده بیشترین بخش از مفاهیم و
آرمانهایی باشد که اوژن پوتیه عزیز آنرا در
این شعر نغز و ماندگار پرورده است، و از
سوی دیگر از آهنگ و ریتم حماسی یی
برخورداری باشد تا بتوان آنرا تصنیف و کمپوز
نموده و زینت بخش محافل و گردهمایی‌های

کارگری نمود. همان بود که در شامگاه نوزدهم
مارس (مارچ) آنگاه که سراپا در یادها و
خاطرات جانباخته گان کمون به سر می‌بردم،
لحظاتی فراهم آمد که ضمن آن توانستم به این
آرمان والا دست یابم. و از آنجا که مبنای کارم
را ترجمه دقیق و دانشمندانه رفیق عزیزم جمشید
هادیان تشکیل می‌دهد، باب مکاتبه را با او گشوده
خواهش نمودم تا مرا در تحقق بخشیدن این
مأمول یاری دهد، و او نیز با جبینی گشاده و
محبتی رفیقانه این خواهش را لیبیک و مرا در
پاره یی از موارد یاری و رهنمایی فرمود که
شایسته ابراز هرگونه سپاس و امتنان میباشد.

و اما باید خاطر نشان ساخت که ما هنوز در نیمه
راه تحقق کامل آرمان خویش قرار داریم و تا
رسیدن به مرحله نهایی راه دراز و کارهای
فراوانی در پیشرو داریم؛ چه اکنون این منظومه
که نیلای پیشکش حضور خواننده گان گرامی
میگردد، چشم به راه آهنگسازان و آوازخوانان
با احساسی است که ما را در تحقق بخشیدن به
این آرمان والا و انسانی، داوطلبانه یاری رسانند.
و اینهم متن سرود:

سرود انترناسیونال

دوزخیان دهر!

وامانده گان فقر!

قربانیان صبر!

ای خیل برده گان!

خیزید! خیزید!

خیزید، به پاخیزید!

++++

عقل در آتشفشان شوریده می‌غرد
این واپسین آتشفشان ناگزیر ماست
خیزید مردمان! خیزید برده گان!
تا این جهان از نقش کهنه پاک گردانیم
با رزم و با پیکار خود،
طرحی دگر ریزیم،
دنیا ز سر سازیم ...
هیچیم کنون اما؛
فردا همه گردیم!

++++

اینک، در واپسین نبرد

با هم رویم، با هم شویم

فردای آزادی

انترناسیونال

افراد نسل ما، با هم کند یکجا!

++++

بر ما نبخشد فتح و شادی

نی آسمان، نی پادشاه، نی قهرمان

تنها همین دستان مان

سخنرانی در اول مه

و خواهان تحقق حقوقش گردیم. من زمانی را به یاد می‌آورم که به همین هاید پارک آمدیم و خواهان تصویب لایحه‌ی هشت ساعت کار شدیم. در آن زمان ما به اندازه‌ی انگلستان دست بودیم. آن تعداد به صدها و بعدا به هزارها رسید. امروز به این تظاهرات با شکوه و جمعیت‌مان نگاه کنید که پارک را پر کرده است. ما محکم روی پاهایمان ایستاده‌ایم، تا با یک تظاهرات دیگر روبرو شویم، اما من خوشحالم که میبینم توده‌های عظیمی از مردم در طرف ما هستند. آن کسانی از ما، که با همه‌ی نگرانیهای ناشی از اعتصاب باراندازان(1)، و به ویژه اعتصاب کارگران گاز، شریک شدیم و مردان، زنان و کودکان را پیرامون خود دیدیم که از اعتصاب به تنگ آمده بودند، مصمم هستیم تا هشت ساعت کار به دست آمده را به صورت قانون در آورده و تضمینش کنیم.(2) یا ما این کار را می‌کنیم و یا (کارفرمایان) در اولین فرصت آن را پس می‌گیرند. در چنین روز با شکوهی ما میتوانیم این امر را متحقق کنیم، در غیر این صورت، باید تنها خود را ملامت کنیم. این بعدازظهر، در این پارک، مایکل داویت(3) در میان ماست که روزگاری توسط گلاستون(4) به زندان افکنده شد. اما در حال حاضر گلاستون با مایکل میانه‌ای عالی دارد. به نظر شما چه چیزی باعث این تغییر شده است؟ چرا حزب لیبرال ناگهان تغییر آیین داده و طرفدار دادن قدرت به ایالات شده است؟ خیلی ساده به این دلیل که ایرلندیها هشتاد نماینده به مجلس عوام فرستادند، تا از محافظه‌کاران دفاع کنند. به همین شکل ما باید دم آن نمایندگان لیبرال و رادیکالی را بگیریم و بیرون بیاندازیم، اگر با برنامه‌ی ما مخالفت کنند.

این بعدازظهر من فقط به عنوان یک فعال اتحادیه صحبت نمی‌کنم، بلکه به عنوان یک سوسیالیست هم صحبت می‌کنم. ما سوسیالیستها بر این باوریم که تحقق هشت ساعت کار روزانه یک قدم اولیه و بسیار فوری است که باید برداشته شود و هدف ما رسیدن به زمانی است که دیگر یک طبقه وجود نداشته باشد تا دو طبقه‌ی دیگر را تغذیه کند، اما بیکاری در آن زمان نه در بالای جامعه وجود خواهد داشت و نه در پائین جامعه. تحقق ده ساعت کار هدف نهایی ما نیست، بلکه آغاز مبارزه است. کافی نیست که ما تظاهرات راه

بیاندازیم برای هشت ساعت کار روزانه. ما نباید مثل مسیحیانی باشیم که شش روز مرتکب گناه میشوند و روز هفتم به کلیسا میروند، بلکه ما باید به طور روزانه راجع به امرمان صحبت کنیم و مردان و به ویژه زنانی را که میبینیم تشویق کنیم، تا به صفوف ما بپیوندند و کمکمان کنند.



بر خیزید شما شیران خفته

با جمعی بسیار، شکست ناپذیر

رنجیرانی را که هنگام خواب بر شما افکنده‌اند به تکان آرید و

آنها را همچون شبنمی که به زمین میریزد، بیفشانید.

شما بسیارید، آنها اندکند.

هاید پارک، لندن، می 1890

1- اتحادیه‌ی "انجمن عمومی کارگران و عملیات چای (خوراک)" در 1889 خواهان این شد که باراندازان به طور مستمر و در یک زمان بیش از چهار ساعت کار نکنند و حداقل مزد، شش پنس در ساعت باشد. جواب منفی صاحبکاران سبب شد، تا باراندازان اعتصاب کنند. آنها مطمئن بودند که گرسنگی، باراندازان را ناچار خواهد کرد تا به سر کارهایشان برگردند.

بن تیلت، Ben Tillet، رهبر اتحادیه که از فعالان جنبش سوسیالیستی بود، دوستان خود و از جمله النور را تشویق کرد تا به یاری ده هزار بارانداز اعتصابی بشتابند. آنها به کمک تشکلهای خیریه و کارگری در بریتانیا و استرالیا، دهها هزار پوند برای باراندازان اعتصابی جمع‌آوری کردند. این پشتیبانی عظیم سبب شد تا کارفرمایان به زانو درآیند و باراندازان پس پنج هفته اعتصاب پیروزمندانه به

سر کارهای خود بازگشتند. این مبارزه نقطه‌ی عطفی در جنبش اتحادیه‌ی بی به حساب می‌آید.

2- کارگران گاز طی اعتصاب کوتاه مدت 1889 خود هشت ساعت کار در روز را به دست آوردند. النور در هر دو اعتصاب و به ویژه اعتصاب باراندازان و به پیروزی رساندن آنها نقشی کلیدی داشت.

3- مایکل داویت (1846-1906) یک

ناسیونالیست ایرلندی اصل بود که

در چهاردهم می 1870 به خاطر

فعالیت مبارزاتی به زندان افتاد. او

از نه سالگی شروع به کار کرد و

در سن یازده سالگی یک دست خود

را حین کار روی ماشینهای

ریسندگی از دست داد. او تحت تاثیر

ارنست چارلز چونز، رهبر رادیکال

چارتیستها، به سیاست روی آورد.

4- گلاستون (1809-1898) از

رهبران حزب لیبرال بود و چند

دوره نخست وزیری بریتانیا را به

عهده داشت.

منبع Google: London Dockers' Strike

ژوندي دی وی

د می لمپی، دا

د کارگرانو

دنړيوال

پيوستون

ورځ!

The Foreign Vocabulary of the
Qu'ran by Jeffery, Oriental Institue
Baroda, 1938.

و اما در مورد شامل بودن و شامل نبودن این سوره در زمره بقیه سوره های قرآن، گفته میشود که این سوره را محمد به اقتباس از عبارتهای ذکر شده در تورات و انجیل و مروج در نزد یهودیان؛ به مثابه ترانه ئی دینی، در مکه سروده و بعد از آنکه به مدینه هجرت نمود آنرا کاملتر ساخت. و از همین جاست که گفته اند: این سوره دوبار و یا در دو مرحله نازل شده است.

از آنچه گفته آمد میتوان چنین استنباط کرد که محمد و اصحاب او این ترانه را در مناسبتهای مذهبی تلاوت مینموده اند، و محمد آنرا بخشی از قرآن نمیدانسته است و اصحاب او همانند عبدالله بن مسعود از این امر آگاهی داشته اند. و اما اینکه با وجود آنها چرا کمیته تدوین قرآن عثمانی تصمیم به درج آن در ضمن قرآن گرفت و نظر شخصیت برجسته ئی چون ابن مسعود را نادیده انگاشت تا هنوز مورد سؤال است.

چنانکه قبلا نیز اشاره نمودیم این سوره هم از نگاه لفظ و هم از نگاه معنی، اصلا دعائیه بیست که در کتابهای مقدس یهودیها و مسیحی ها آمده است و یهودیها و عیسویهای عرب این دعائیه را در نمازهای خود تلاوت مینمایند. چنانکه زمورهای 47 و 148 زبور داود شاهد این مدعاست. همچنان قابل یاد آور نیست که این دعائیه در ابتدا و در مکه به احتمال قوی دو آیت اخیر را که در تفسیر جلالین عبارت (المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ) یعنی: (مورد غضب واقع شده گان) آن، به یهود و کلمه (الضَّالِّين) یعنی (گمراهان) آن به نصارا تأویل و تفسیر شده است، دربر نداشته است و محمد این دو آیت را در مدینه و پس از تصفیه حساب با یهودی ها و مسیحی ها به آن افزوده است. و هرگاه بپذیریم که محمد در مکه نیز چنین میگفته است پس باید به گفته قاضی القضاة أبوسعید ناصرالدین عبدالله بن عمر شیرازی البیضاوی که یکی از بزرگترین عالمان و متکلمان و مفسران عهد مغول است توجه نماییم که در **أنوار التنزیل وأسرار التأویل** خویش این نظریه را که گویا منظور از فحوای این دو آیت همانا یهود و نصارا بوده است، مردود شمرده تأکید مینماید که منظور از: **المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ** - عصیانگران و از: **الضَّالِّين** - خداناشناسان است نه یهود و نصارا. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که البیضاوی در این تأویل خویش ظاهرا به این واقعیت توجه داشته است که در هنگام موجودیت محمد در مکه هیچگونه کشیده گی میان محمد و اهل کتاب

ادامه در صفحه ۱۱

نمیدانست و شاید علت اصلی این کار او برمیگشت به اینکه باری محمد صفت (رُقیة) یعنی دعائیه را به این سوره داده بوده است (رجوع کنید به: الجامع لأحكام القرآن والمُبَيَّن لما تَضَمَّنَه من السُّنةِ وأی الفرقان- معروف به تفسیر قرطبی- نوشته أبو عبدالله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی- در باره سوره های الفاتحة و الأسراء - صفحه 82). احتمال دارد ابن مسعود به این باور بوده باشد که توصیف یک متن به (دعائیه) جنبه قرآن بودن آنرا زائل میسازد.

از سوی دیگر، به احتمال قوی ابن مسعود اعتراض خود را با تکیه بر رویداد های مرتبط به این سوره ابراز داشته است. این سوره همراه با بسم الله... دارای هفت آیت است و در زمینه مکی بودن و مدنی بودن آن اتفاق نظر موجود نیست، برخی آنرا مکی و برخی دیگر مدنی مینامند. و هستند کسانی که راه سوم را برگزیده و گفته اند که این سوره دوبار نازل شده است، یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه. در موازات با این رأی، نظر دیگری نیز موجود است و آن اینکه نصف آن در مکه و نصف دیگرش در مدینه نازل شده است، و با در نظر داشت همین نکته است که این سوره را سبع المثانی یعنی (هفتگانه دوباره) نیز نامیده اند. برای تفصیل بیشتر در زمینه، به تفسیر ابن کثیر- نوشته إسماعیل بن عمر بن کثیر متوفی 774- هجری، مراجعه فرمایید.

در علوم قرآن قاعده ئی وجود دارد مبنی بر اینکه سوره های کوتاه در مکه و در آوان دعوت محمد نازل شده است. مگر سوره الفاتحة این صفت را با خود حمل نمی نماید، همچنان این سوره دارای ویژه گیهای منحصر به فردی نیر هست و آن اینکه با بررسی عناصر و مکونات آن در می یابیم که این سوره از عباراتی تشکیل یافته است که در کتابها تورات و انجیل نیز آمده است، به گونه مثال:

" **الْحَمْدُ لِلَّهِ** ":

این عبارت مطابق است با عبارت سریانی بیکه در تورات (عهد قدیم) در سفر خروج، باب هجدهم، آیت دهم؛ و در انجیل (عهد جدید) در لوقا، باب اول، آیت شصت و هشتم؛ و در قرنتیان دوم، باب اول آیت سوم آمده است. همچنان این عبارت با تغییر اندکی در ادبیات یهودی به وفرت به کار میرفته است.

" **الرَّحْمَانُ** ":

این واژه نیز آشکارا یک واژه مشترک سامی بوده و در زبانهای عبری و سریانی که کتابهای تورات، انجیل و زبور به آن نوشته شده است، با خاء معجمة و در وصف یهوه (خدا) در بیشتر جاها به کار رفته است، مثلا در زمورهای 47 و 148 زبور داود. در این زمینه به مرجع زیرین مراجعه فرمایید:

خطاها و تناقضات قرآن

زیر این عنوان خواهیم کوشید تا باروشی متمدانه، منطقی و مستدل خطاها و لغزشهای لغوی و علمی و تناقضات منطقی موجود در قرآن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. لذا از آنایکه خود را در زمره فقها، علماء و مفسرین اسلام قلمداد مینمایند صمیمانه دعوت به عمل میآوریم تا در مباحثات با ما شرکت ورزیده نظرات و ملاحظات مارا به همان روشی که ما آنرا مطرح مینماییم به نقد بکشند البته نه با روشهای پرطمطراق واعظانه و تکیه خانه ئی و خانقاهی. ما این بحثها را در بخشهایی جداگانه و دنباله دار ارائه خواهیم نمود.

بخش نخست

سوره الفاتحة

آیه های 1-5

در کتابهای تاریخ که درباره نسخه های قرآن و چگونه گی جمع آوری آیات آن معلومات میدهد، آمده است که عبدالله بن مسعود یکی از نزدیکترین یاران محمد بن عبدالله پیامبر اسلام، کاتب وحی و یکی از ده شخصیت مرغوب در نزد محمد که به نام عشرة مبشرة یاد می شده اند؛ از افزودن سوره الفاتحة در نسخه دست داشته خویش سرباز زده و گفته است که این سوره وحی الهی نبوده و شامل قرآن شده نمیتوانند.

ابن مسعود در تاریخ اسلام شخصیت فعال و مؤثری بوده و از ارج و اهمیت بالایی در نزد سنی ها و شیعیان هردو برخوردار است. او در برابر تصمیم عثمان مبنی بر قبولاندن یک قرآن واحد بالای مسلمانان و تشکیل کمیته ئی که او برای این هدف در نظر گرفته بود به مخالفت برخاسته و در مورد زید بن ثابت که عثمان او را به ریاست این کمیته برگزیده بود چنین گفته است: "من در نزد رسول خدا هفتاد سوره را خوانده بودم که زید بن ثابت با کاکلهای اویزان خویش با دیگر کودکان بازی میکرد" و نیز گفته است: "زید بن ثابت هنوز کودکی بیش نبود که من در نزد رسول خدا هفتاد سوره را خوانده بودم، پس آیا من آنچه را که از رسول خدا گرفته ام ترک کنم؟" (به نقل از: **المصاحف** - نوشته عبدالله بن سلیمان بن الأشعث السجستانی)

ابن مسعود سوره الفاتحة را در نسخه قرآن خود نگنجانیده بود و آنرا مربوط به قرآن

گام تازه در راه وحدت جنایتکاران

که آنها در حقیقت با بلند نمودن شعارهای ضدخارجی شان ناراضیاتی های خویش را از ناحیه بی توجهی بادران در سال 2001 به آنها ابراز میدارند.

لذا جامعه متجاوز آرزو میکند تا با یک تیر چند شکار را از آن خود سازد، البته " اگر خدا بخواهد" !

آن ها تلاش دارند تا از یک طرف خود را از بن بست فعلی در افغانستان فارغ سازند، تنظیم های اسلامی و طالبان را در خوان نعمت مصروف نموده، آن ها را زیر کنترل داشته باشند. و بدین وسیله اگر بتوانند امنیت لازم را برای تشکیل یک حکومت متعارف آماده نموده و از جانی هم مصارف و مشغله شان را از این ناحیه کاهش دهند.

اینست توطئه پی که در حال حاضر در شرف شکل گیری است. در این استراتژی هیچ جایگاهی برای صلح و لو نیم بند وجود ندارد، آرا و خواست مردم در آن مطرح نیست. اگر قرار باشد این طرح جامه عمل بپوشد در آنصورت ائتلافی خواهد بود از جانب تمامی جنایت کاران که با دست باز، خاطر جمعی و بصورت رسمی یکبار دیگر شمشیرهای اسلامی را بر گرده های مردم خموش فرو برده و خاطرات جنایات اسلامی گذشته شانرا در زیر سایه کشورهای به اصطلاح دموکراتیک در فضای باز و با اتهام زدن های معمول اسلامی بر مردم ناراضی جشن خواهند گرفت.

همچنان در تأویل عبارت "الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ" گفته اند که مراد از آن مسلمانان، محمد و همراهان وی میباشد، و در این زمینه میتوان به گونه مثال به تفسیر (جامع البیان فی تأویل آی القرآن) تألیف محمد بن جریر الطبری معروف به امام طبری، مشهورترین مؤرخ و مفسر قرن سوم هجری استناد نمود. و این خود تناقضیست دیگر. زیرا محمد که خود را خیر البشر و مسلمانان را مغفرت شده گان و برخوردار از نعمات الهی قلمداد نموده است چرا باید خود و دیگر مسلمانان را از آن مقام محروم تلقی نموده رسیدن به آن را بار دیگر استدعا نماید.

پایان بخش نخست

خطاها و تناقضات قرآن

(یهود و نصارا) موجود نبوده و با آنان در صلح و صفا و وحدت نظر کامل و پیروی از هدایات کتابهای آنان به سر میبرد چنانکه آیات فراوانی در سوره های مکی بر این واقعیت صحه میگذارد و از آن جمله میتوان به آیه (90) سوره انعام و آیه (15) سوره شوری اشاره کرد.

و اما در زمینه تناقضات موجود در این سوره باید عرض شود که آیت "إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" که فرد مسلمان با تلاوت آن در نماز خویش از خدای خود میخواهد تا او را به راه راست رهنمائی کند، و مراد از راه راست به عقیده مفسرین قرآن همانا: قرآن و یا اسلام و یا بهشت میبا شد؛ در بر گیرنده تناقض آشکاری است که ذهن اغلب مفسرین را مشغول نموده و آنان را واداشته است تا در زمینه رفع این تناقض اقامه برهان و دلیل تراشی نمایند. تناقض در اینجا نهفته است که بر اساس تعالیم و مسلمات دین اسلام، فرد مسلمان معتقد بر اینست که اسلام دین حق است و او که به تعالیم این دین پایبند بوده و قرآن را مقدس میشمارد، مسلماً در راه راست روان بوده، هدایت یافته است و سرانجام به بهشت راه می یابد. پس همچو انسانی چه نیازی به درخواست هدایت شدن به راه راست دارد؟ آیا این درخواست به گفته زبان شناسان تحصیل حاصل به حساب نمی آید؟

چنانکه گفته آمد اغلب مفسرین قرآن کوشیده اند این تناقض را چنان تأویل و تفسیر نمایند که گویا حل گردیده و یا اصلاً تناقضی در این میان وجود ندارد. به گونه مثال: زین الدین محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر الرازی که یکی از مفسرین معروف قرن هفتم هجری است، در کتاب (أَمْوَدُجٌ جَلِيلٌ فِي أَسْئَلَةِ وَأَجْوَبَةِ عَنْ غَرَائِبِ آيِ التَّنْزِيلِ) خویش در تفسیر این آیت و رد تحصیل حاصل بودن آن گفته است که معنای آن اینست که: " ما را در راه راست ثبات نصیب گردان و در پیمودن آن پیگیری، تا باشد که به سرنوشت بد دچار نشویم." و این کثیر گفته است: " مراد از آن این است که ما را در پیمودن راه راست پیگیری ببخش و به راهی غیر از آن عدول مفرما." مگر چنانکه می بینیم با این گفته ها نمیتوان تناقض آشکاری را که در این عبارت وجود دارد برطرف نمود.

انتشار منظم، بهبود کیفیت و
نشر مستمر این نشریه در
گرو همکاری و کمک مادی
و معنوی شماست
برای ما خبر و مقاله
بفرستید، کارگری خپه
را بخوانید و به دوستان تان
معرفی نمایید!

کارگری خپه در جهت
بسط و گسترش باورهای
آزادخواهانه سوسیالیستی
تلاش می نماید و از این
طریق می خواهد سهمی در
تقویت جهت گیری
سوسیالیستی مبارزات
اجتماعی و تکامل آن ایفا
نماید.

روز جهانی کارگر

یادمان شورش

کارگران آمریکائی

در اول ماه می ۱۸۸۶

در شیکاگو است.

**Worker
of the
world
unite!**

Kargari Sapa 26

Workers Socialist organization of Afghanistan
www.asrejadid.org

Monthly political Newsletter

Issue 26

May 2010

نعره پنهان

منم آن پرتو آنسوی بنفش،
که ز تندباد و سیاهی شب هرگز نهراسد.
منم آن نعره پنهان به دم حنجره ها،
که به هر لحظه جهیدن خواهد،
برده جور و ستم پاک دریدن خواهد.
منم آن خشم فرو خورده...
که چون جوشش آب،
دیگ سر بسته فولادین را،
آهکین ساخته ترکانده نهد پای برون.
منم آن رویش بنهفته به گلهای
بهارى،
که به رگم دی ماه...

دم هر لحظه شگفتن خواهد.
آری! من کارگرم، کارگر "زارو"
نحیف"
که در این نظم ستم...
غول سرمایه سرم هیچ حسابی نهد.
++++++
ر. پیکار جو
01/01/2010
138/10/11

این پادشاهان، با فریب و حقه هاشان،
از برای غصب مان، تخدیرمان، افسانه
میسازند...
با هم یکی گردیم، بر فرقتان کوبیم، با مشت
آهین.
در پادگانها، اعتصابها، راه بیندازیم...
فرماندهان جنگ و خونریزی، بر اندازیم..
میل تفنگهامان، بر سوی آنان بر بگردانیم...
صفهایشان در هم زده اردوی خود پیروز
گردانیم...
++++
ما اردوی ملیونی ایم؛ اردوی کار و برزگر!
این کره خاکی، یکسر از آن ماست...
بیکاره گان، باید از اینجا رخت بر بندند!..
از شیرۀ جان من و تو تا به کی نوشند!؟
اما، فردای نابودی این زاغان و کرکسان،
خورشید آزادی مان، تابد همیشه جاودان!
++++
اینک، درواپسین نبرد
با هم رویم، با هم شویم
فردای آزادی
انترناسیونال
افراد نسل ما، با هم کند یکجا!
++++
شاعروترانه ساز: اوژن پوتیه
مترجم: ر. پیکار جو
19/04/2009
30/01/1388

paikaarjo@gmail.com

اول می روز

همبستگی جهانی

کارگران مبارک باد!

سرود انترناسیونال در چهره بی نوین

گیرنده آزادی اند
آرنده آزادی اند
روبیم ستم را از جهان
آریم نعمت ارمغان
خود دم ز نیم در کوره ها
گرم گرم کوبیم آهنان...
++++
دولت ستمگر است، سرکوب میکند...
قانون در این جهان، کارش فریب ماست
زالوی مالیات، خون من و تورا، هر روز
می مکد.
پول من و تورا، در جیب اغنیا، واریز میکند
آن لورد بی حیا، در استراحت است
حق فقیر ها، تنها عبارت است
خسپیدن من و تو، در گوشه بی چو زندان،
مردود و نا به جاست...
بهر برابری، نظمی دگر سزاست
کندر حریم آن، حقی بدون کار، کاری بدون
حق، مفقود و نارواست...
++++
اینک، درواپسین نبرد
با هم رویم، با هم شویم
فردای آزادی
انترناسیونال
افراد نسل ما، با هم کند یکجا!
++++
جاه و جلال پادشاهان، زرق و برق کاهنان،
نفرین دوران است،
گنجینه هاشان، محصول رنج و کار مایان
است
این مردم شوریده با آمان بر گردان این
اموال؛
چیزی به غیر از حق خود هرگز نه خواهان
است..
++++